

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا.م. شیرازی
۲۹ اگست ۲۰۲۳

یا مکن با پیل باتان دوستی یا بنا کن خانه‌ای در خورد پیل



پانزدهمین اجلاس سران گروه کشورهای بریکس- برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی- به میزبانی جمهوری آفریقای جنوبی با شرکت سران و نمایندگان ده‌ها کشور جهان و حضور مجازی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در تاریخ ۲۲-۲۴ گست (۳۱ مرداد- ۲ شهریور) (اسد-سنبله) در ژوهانسبورگ برگزار گردید. در این اجلاس موضوعات کلیدی مانند پذیرش اعضای جدید به گروه، دالرزائی یا مبارزه با سلطه دالر به مثابه ابزار جنگ، غارتگری و صدور بحران، غلبه بر نظم تک‌قطبی نظام امپریالیستی و ایجاد جهان چند مرکزی مبتنی بر برابری حقوقی کشورها، انجام معاملات تجاری با ارزهای ملی، افزایش گردش مالی ارزهای ملی در مبادلات اقتصادی بین‌المللی، بهبود سازوکارهای پرداخت‌ها و تقویت نقش بانک توسعه بریکس به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

مهمترین و اساسی‌ترین نکته غایب در بحث‌های پانزدهمین اجلاس بریکس، موضوع ایجاد و ساماندهی ارز واحد گروه بود که به طور کلی مطرح نشد. به عبارت دیگر، به دستور کار اجلاس اصلاً وارد نشده بود. دلیل مغفول ماندن این موضوع حیاتی هر چه باشد، از هم اکنون روشن است که بدون ایجاد ارز واحد، نه مبارزه با سلطه دالرها بی‌پشتوانه امکان‌پذیر است و نه ایجاد جهان چند قطبی. به خصوص در دوره زمانی که پول حلال تمام مشکلات است و سلطه بلامنازع نظام امپریالیستی بر نظام مالی- پولی جهان و تمام ابزارهای مغزشوئی، تحریف واقعیت‌ها و سمت‌دهی افکار و اندیشه‌ها و تأثیرگذاری مخرب بر روان‌شناسی اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی قابل انکار نیست. کشورهای گروه بریکس در موضوع افزایش اعضای جدید، از میان چند ده کشور متقاضی عضویت، بالاتفاق کشورهای ارجناتین، اتیوپی، امارات متحده عربی، ایران، عربستان سعودی و مصر را به عنوان اعضای جدید پذیرفتند.

با عضویت کشورهای ایران و مصر، گروه بریکس، در واقع، به دو منطقه ژئوپلیتیک و سوق الجیشی با اهمیت جهانی فوق العاده برای حمل و نقل مال التجاره و نیروی نظامی، یعنی ایران به مثابه چهار راه خشکی و بحری و مصر در مقام صاحب و ناظر ترعه سوئز، گسترش یافت.

عضویت عربستان سعودی و امارات متحده عربی و در کنار آن‌ها ایران نیز، نشانه آشکار گسترش بریکس در حوزه انرژی است. به این ترتیب، گروه بریکس آهسته و پیوسته به سوی نظم جهانی جدید و خارج کردن کنترل انرژی و راه‌های ارتباطی از زیر سلطه نظام امپریالیستی پیش می‌رود. به خیر و موفقیت!

اگر چه پیوستن ایران به قطار جنوب جهانی، عضویت در گروه‌های کشورهای بریکس، سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی آراسیا نشان‌دهنده سمت و سوی مثبت و منطقی سیاست خارجی کشور و مایه مباهات است، اما با توجه به سیاست داخلی جمهوری اسلامی در چهل و پنج سال گذشته، بیم و نگرانی‌هایی نیز وجود دارد. برای رفع نگرانی‌ها و جلب اعتماد توده‌های میلیونی، جمهور اسلامی باید قبل از هر چیز، سیاست‌های داخلی خود را با سیاست خارجی‌اش منطبق سازد. عدم تطابق سیاست‌های خارجی و داخلی، احتمال بریدن از قطار جنوب جهانی و بازگشت به گذشته را تقویت می‌کند.

لازمه اعتمادسازی جز این نیست که حاکمیت جمهوری اسلامی باید از سیاست اقتصادی نئولیبرالی تاکنونی خود عبور کند؛ با عظم و اراده راسخ به مبارزه با فساد در تمام زمینه‌ها، به ویژه، مفاسد اقتصادی، رانت‌خواری برخیزد؛ آزادی تشکلهای سیاسی را عملاً و بدون هیچ «اما و اگر و به شرطی که»، به رسمیت بشناسد؛ از سلب اختیار بانوان در پوشش خود دست بردارد؛ قوانین کار و اجتماعی مدرن و متضمن تأمین منافع کارگران، آزادی‌های فردی و جمعی تدوین نماید؛ قانون سیاه سال ۱۳۱۰ رضا شاه را که رسماً و عملاً تا روز امروزی به قوت خود حفظ کرده و اجرا می‌کند، لغو نماید؛ به خاطر سیاست‌های مخرب گذشته خود، از جمله، با انجام اصلاحات اقتصادی به نفع هشت دهک جامعه، از «اقتصاد مال حیوان است. الاغ هم زیربنای همه چیزش اقتصاد است» (امام خمینی) عبور کند؛ نهادهای پرهزینه و به طور کلی، غیر لازم مانند گشت ارشاد و «ستاد امر به معروف و نهی از منکر» را به فوریت لغو نماید؛ به خاطر تواب‌سازی‌های فله‌ای و مضحکه نمایش‌های تلویزیونی، کشتارهای انبوه اسیران و ایجاد گورستان‌های جمعی در سال‌های ۱۳۶۰، رسماً و علناً از خود انتقاد نموده، عذرخواهی کند؛ با اتخاذ سیاست‌های عملی در جهت تأمین منافع ملی کشور و ایجاد بسترهای لازم برای کار و زندگی، به خصوص برای نسل جوان، از فرار مغزها، سرمایه‌ها و منابع انسانی به غرب امپریالیستی جلوگیری نماید و...

در ارتباط با اجرا یا عدم اجرای مفاد بند فوق، بسیاری‌ها به شمول نویسنده این سطور، بدستی بر این باور هستند که حاکمیت جمهوری اسلامی، یک حاکمیت یکدست نیست و بخش احتمالاً ترقی‌خواه آن از منظر توازن قواء در شرایطی قرار ندارد که بتواند مقاومت نیروهای ارتجاعی و غرب‌گرا را در هم شکند و گام‌هایی در جهت اجرای خواسته‌ها و برنامه‌های اعتمادساز و تأمین‌کننده منافع ملی بردارد. واضح است که این وضعیت نمی‌تواند تا ابد ادامه یابد.

البته، روشن است که عدم توازن قواء در حاکمیت‌ها فقط خاص جمهوری اسلامی نیست. این وضع، در تاریخ حاکمیت‌ها همواره بوده و بعد از این نیز همیشه خواهد بود. علاوه بر ایران، اختلافات ناشی از عدم توازن قواء در هیأت حاکمه آمریکا، آشکارترین نمونه امروزی آن است.

تبدیل ایده‌ها و اندیشه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها به نیروی مادی، مهمترین راه و روش تغییر توازن قوا است. در این زمینه، راه‌های آزموده شده و تجربیات فراوان وجود دارد. جناح ترقی‌خواه حاکمیت جمهوری اسلامی با وجود صدها هزار مسجد، تکیه، حسینیه و دیگر اماکن مذهبی در کشور، می‌تواند به جای تشویق و تحریک راهپیمایی میلیونی عاشورا یا

اربعین به عراق، با برگزاری منظم و پیاپی جلسات، سمینارها و کنفرانس‌ها در آن‌ها، افکار و برنامه‌های مشخص خود را به میان توده‌ها ببرد؛ به بحث بگذارد؛ به نیروی مادی تبدیل کند و از این طریق، تعادل قوای را به سود منافع ملی کشور تغییر دهد.

بنابراین، حالا که ایران با عضویت در گروه بریکس به عرصه دوستی با پیل‌بانان وارد شده، خانه‌اش را نیز باید در خورد پیل بسازد. در غیر این صورت، به مصداق «دو صد گفته چون نیم کردار نیست»، گمان نمی‌رود عضویت در گروه بریکس نیز کمکی به خروج کشور از بن‌بست سیاست‌های ناهنجار داخلی و اعتمادسازی بکند.

تصویر سر صفحه [از اینجا](#)

۶ شهریور - سنبله ۱۴۰۲